

The Accountability of Animals from the Perspective of the Holy Quran: Focusing on Verses Related to Animals

Mohammad Ebrahim Nataj¹

Received: 2024/08/06 • Revised: 2024/09/29 • Accepted: 2025/02/16 • Published online: 2025/04/09



Abstract

The accountability of animals is a topic that requires thorough investigation into its scientific foundations, as well as relevant Quranic verses and narrations. Such research enhances our understanding and deeper knowledge of narrations and verses concerning resurrection, as well as verses and hadiths related to the will, choice, and glorification of animals. Therefore, this study, employing a descriptive-analytical approach and referencing the interpretative perspectives of prominent exegetes, seeks to examine whether animals are accountable for their actions. Given that, according to certain Quranic verses, animals possess awareness, perception, will, choice, glorification, and resurrection—albeit within the limits of their existential capacity—and that birds, insects, and other creatures enjoy these attributes within their own existential ranks, it seems that animals should bear certain responsibilities in their worldly lives. This is because all the conditions and attributes necessary for accountability exist within them, albeit at a lower level compared to human beings.

Keywords

Accountability, Resurrection, Resurrection Verses, Animal Accountability, Animal Resurrection.

1. Assistant Professor, Payame Noor University, Tehran, Iran. Mohamad.nataj@pnu.ac.ir

* Nataj, M. E. (2024). The Accountability of Animals from the Perspective of the Holy Quran: Focusing on Verses Related to Animals. *Journal of Studies of Quranic Sciences*, 6(21), pp. 102-130.

<https://doi.org/10.22081/jqss.2025.69658.1321>

تكليف الحيوان من منظور القرآن الكريم استناداً إلى الآيات المتعلقة بالحيوان

محمد إبراهيم نتاج^١

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/٠٨/٠٦ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/٠٩/٢٩ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٢/١٦ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٤/٠٩

الملخص

إن تكليف الحيوان موضوع يحتاج إلى بحث وتدقيق في الأسس العلمية والآيات والروايات المتعلقة به. يساعدنا مثل هذا البحث في فهم أفضل ومعرفة أعمق لأحاديث وآيات الحشر، وكذلك الآيات والأحاديث المتعلقة بالإرادة والحرية وتسبيح الحيوانات؛ لذلك تسعى هذه الدراسة، باستخدام المنهج الوصفي التحليلي، ومن منظور تفسيري لبعض المفسرين البارزين، إلى دراسة وتحليل السؤال: هل للحيوانات واجبات وتكليف؟ مع العلم بأن الحيوانات، بحسب بعض الآيات القرآنية، لها الوعي، والذكاء، والإرادة، والاختيار، والتسبيح، والبحث، وهذه الأمور محدودة بقدرتها الوجودية وبحسب آيات القرآن فإن الطيور والحشرات والحيوانات لها هذه الصفات في مرتبتها الوجودية، ويبدو أن هذه المخلوقات، بالنظر إلى الصفات المذكورة أعلاه، لا بد أن يكون لها واجبات في حياتها الدنيوية؛ لأنهم يمتلكون كافة الشروط والصفات اللازمة للقيام بالمهمة، وإن كانت هذه الشروط والصفات بلا شك أدنى من البشر.

الكلمات الرئيسية

التكليف، الحشر، آيات الحشر، تكليف الحيوان، حشر الحيوان.

Mohamad.nataj@pnu.ac.ir

١. أستاذ مساعد، جامعة پیام نور، طهران، إيران.

* نتاج، محمد إبراهيم. (٢٠٢٤م). تكليف الحيوان من منظور القرآن الكريم استناداً إلى الآيات المتعلقة بالحيوان، الفصلية العلمية - الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٦(٢١)، صص ١٠٢-١٣٠.

<https://Doi.org/10.22081/jqss.2025.69658.1321>

تکلیف حیوانات از منظر قرآن کریم با تکیه بر آیات مربوط به حیوانات

محمدابراهیم نتاج^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸ • تاریخ آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰



چکیده

مکلف بودن حیوانات از مباحثی است که نیازمند تحقیق و بررسی دقیق مقدمات علمی، آیات و روایات مربوط به آن است. چنین پژوهشی ما را در فهم بهتر و معرفت عمیق تر به روایات و آیات حشر و نیز آیات و احادیث مربوط به اراده، اختیار و تسبیح حیوانات کمک می‌کند؛ بنابراین پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، با نگاه تفسیری برخی مفسرین شاخص، درصدد بررسی و تحلیل این پرسش است که آیا حیوانات دارای تکلیف هستند؟ با توجه به اینکه حیوانات براساس برخی آیات قرآنی دارای آگاهی، شعور، اراده، اختیار، تسبیح و حشر هستند و این امور محدود به سعه وجودی آنهاست و براساس آیات کریمه، پرندگان، حشرات و حیوانات در رتبه وجودی خود از این ویژگی‌ها برخوردارند، به نظر می‌رسد این موجودات با توجه به ویژگی‌های فوق باید در حیات دنیوی خود دارای تکالیف باشند؛ زیرا همه شرایط و اوصاف برای تکلیف داشتن در آنها وجود دارد، گرچه بی تردید این شرایط و اوصاف نسبت به انسان در سطح پایین تری قرار دارد.

کلیدواژه‌ها

تکلیف، حشر، آیات حشر، تکلیف حیوانات، حشر حیوانات.

Mohamad.nataj@pnu.ac.ir

۱. استادیار، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

* نتاج، محمدابراهیم. (۱۴۰۳). تکلیف حیوانات از منظر قرآن کریم با تکیه بر آیات مربوط به حیوانات. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۶(۲۱)، صص ۱۰۲-۱۳۰.

<https://Doi.org/10.22081/jqss.2025.69658.1321>

مقدمه

از اواخر سده نخست تا سده چهارم، مفاهیم ابتدایی، مقدمات و گاه مبانی نظریه تکلیف، مورد بحث و بررسی مکاتب اعتقادی قرار گرفت؛ اما بعد از سده چهارم، نگاه کلامی به آن در مباحث اعتقادی امامیه و به‌ویژه از نظر متکلمان معتزلی در ذیل بحث عدل الهی مطرح شده است. در فضای فکری امامیه متکلمانی مانند شیخ مفید، شیخ طوسی، ابوصالح حلبی، سیدمرتضی، علامه حلی در مباحث کلامی، به بحث تکلیف و ضرورت و انواع آن پرداخته‌اند.

تکلیف معانی مختلفی می‌تواند داشته باشد، به‌ویژه زمانی که برای آن «مضاف‌الیهی» در نظر گرفته شود؛ مانند تکلیف شرعی، تکلیف عقلی و تکلیف قانونی. در علوم اسلامی تکلیف در حوزه‌های مختلف علمی، معانی متعددی دارد که به برخی انواع تکالیف اشاره می‌شود و در نهایت به معنای مناسب آن در این پژوهش تصریح خواهد شد. تکالیف می‌توانند فقهی یا شرعی، عقلی یا فلسفی، اعتقادی یا کلامی، قانونی یا مقرراتی و حتی عرفی باشند.

تکلیف در لغت به معنی سختی و مشقت است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۰۷) و در اصطلاح معنای متعددی برای آن مطرح کرده‌اند. برای تکلیف شرعی و فقهی گفته‌اند: طلب کردن امری مشقت‌آور از سوی شارع (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳، ص ۲۴۸) یا شخصی برتر (حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۱۲)؛ خطاب شارع به الزام انجام یا ترک کاری و یا تخییر بین آن دو، یعنی تکلیف در فقه همان امر و نهی شارع است که به افعال مکلفین تعلق گرفته است (حکیم، ۱۴۳۱ق، ص ۵۷). در تعریف کلامی تکلیف آورده‌اند: دستور کسی که اطاعت از او واجب است (دغیم، ۱۹۹۸م، ج ۱، صص ۳۵۵-۳۵۳)؛ وجوب اعتقاد به اصول و یا فروع دین (حلی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۴۲). در تکلیف عقلی گفته‌اند: تکلیف عقلی، آن احکامی است که به کمک عقل و قوه تفکر انسان [بدون تکیه بر نقل] به‌دست آید (حلبی، ۱۴۰۳ق، صص ۳۵-۳۳).

در قرآن تکلیف در معانی مختلفی آمده است. از معنای لغوی آن گرفته (بقره، ۲۳۳) تا

حدود الهی (بقره، ۲۲۹) که به معنای اوامر و نواهی هستند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۹۸) و یا تکلیف شرعی (ابن جوزی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۷۳) و یا تکلیف و هدایت تکوینی (طه، ۵۰)؛ اما تکلیف به معنای کلی تر و در اصطلاح و فرهنگ دین، به فرمان الهی اطلاق می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

یکی از موضوعاتی که در قرآن بسیار تکرار شده، حشر در قیامت است. واژه حشر در لغت به معنای جمع شدن و جمع کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۹۱؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۴۴). نیز گفته شده: حشر به معنای بیرون کردن جماعت از مقر آنهاست به جنگ و نحو آن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۷). حشر حیوانات به معنای جمع شدن، گرد آمدن و یا اخراج جمعیت حیوانات از دنیا برای حسابرسی در رستاخیز است.

در پژوهش حاضر تلاش می‌شود تا براساس آیات مربوط به حشر حیوانات و نیز آیات تسبیح موجودات، برای حیوانات تکلیف اثبات گردد. اما نه تکلیف مبتنی بر عقل که حیوان را هم‌تراز انسان مکلف بدانیم، بلکه تکلیف به معنای فرمان الهی مبتنی بر علم و آگاهی که حیوانات سطح پایین تری از آن را برخوردارند و براساس آن مکلف هستند. به نظر می‌رسد در قرآن نیز می‌توان این نوع تکلیف را برای حیوانات اثبات کرد. که تلاش ما و مسئله ما در این نوشتار همین است.

اما برای اهل علم و علاقه‌مندان به اسرار قرآن کریم، تبیین و اثبات تکلیف حیوانات، افزون بر فهم بهتر آیات مربوط به تسبیح و به‌ویژه حشر حیوانات، افزایش معرفت قرآنی را نیز به ارمغان می‌آورد؛ همچنین در صورت پاسخ به این مسئله و اثبات مکلف‌بودن حیوانات، لازم است برای این موجودات حقوقی هم در نظر گرفت؛ زیرا همواره تکالیف و حقوق همراه هم هستند؛ بنابراین بحث حق و تکلیف از محدوده انسانی گذشته و به مرز حیوانات هم سرایت خواهد کرد. چنین پژوهشی برای قانون‌گذاران، اساتید و دانشجویان رشته حقوق و عموم مردم مفید خواهد بود.

در این نوشتار سعی می‌شود تا با روش بنیادی، کتابخانه‌ای و تحلیل کیفی، به این سوال پاسخ داده شود که آیا حیوانات مکلف هستند و اگر تکلیف دارند، معنی و ماهیت

تکلیف آنها چیست و تکلیف حیوانات در چه سطحی تعریف می‌شود؟ از این رو تلاش می‌شود عناصر و مولفه‌های دخیل در اثبات تکالیف برای حیوانات احصاء، تحلیل و تبیین شود؛ بنابراین سیر منطقی بحث از تبیین هوشمندی همه موجودات عالم هستی شروع می‌شود و سپس فهم و شعور حیوانات و پرندگان اثبات می‌شود و آن‌گاه با تحلیل و تثبیت دو عنصر اراده و اختیار برای حیوانات به بررسی دیدگاه موافقان و مخالفان حشر حیوانات پرداخته می‌شود. در پایان با توجه به مقدار و سطح فهم، اراده و اختیار حیوانات، مکلف بودن آنها اثبات می‌شود.

۱. پیشینه

بحث از تکلیف حیوانات به طول تاریخ قرآن است؛ زیرا در قرآن از تسبیح موجودات و حشر انسان و حیوانات سخن به میان آمده است؛ از این رو در تفاسیر شیعه و سنی، به ویژه در «تفسیر المیزان» و «تفسیر نمونه» این موضوع در ذیل بحث تسبیح موجودات و حشر حیوانات آمده است.

با جستجو در پیشینه بحث، کتاب یا پایان‌نامه و یا مقاله‌ای اختصاصی در موضوع تکلیف حیوانات یافت نشد، اما درباره تسبیح، حشر، شعور و آگاهی حیوانات پایان‌نامه و مقالات بسیاری به رشته تقریر درآمده که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

الف) پایان‌نامه با عنوان شعور موجودات در قرآن و روایات که درباره حشر و گواهی حیوانات در روز قیامت مباحثی را طرح نموده است (عظیمی شندآبادی مقدم، ۱۳۸۸)؛

ب) مقاله ادراک توحیدی حیوانات در قرآن (آذر زمانی و حمیدرضا بصیری، دو فصلنامه تفسیر پژوهی اثری)؛

ج) تکلم و گفتگوی حیوانات در قرآن کریم (باقر طاهری‌نیا، علی نظری و مریم بخشی، فصلنامه لسان مبین)؛

د) بررسی تطبیقی هوشمندی نظام طبیعت از منظر علامه طباطبایی و آیت الله مصباح یزدی (ام‌البنین اسدی و محمد مهدی کریمی‌نیا و... مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی)؛

۲. فهم و شعور در حیوانات

حیوانات دارای ادراک حیاتی خود هستند، به این معنی که آنها از وجود خود، شیوه زندگی خود و مسئولیت‌های خود آگاهی دارند و اگر نام این آگاهی را غریزه هم بگذاریم به این معنی می‌شود که شناخت غریزی و آگاهی ضعیفی از درک، فهم و شعور در حیوانات است که در دیگر موجودات فرودست، مثل جمادات نیست، چون آنها غریزه ندارند. این آگاهی برای هر حیوانی محدودیتی دارد که فراتر از آن نمی‌تواند رفتار کند؛ از این رو خداوند در قرآن می‌فرماید: «مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَّتِهَا؛ هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه خداوند زمام گیرنده اوست» (هود، ۵۶). همان‌طور که پیداست این آیه نشان از هدایت عمومی و آگاهانه آنها توسط خالق عالم هستی دارد. همان‌گونه که به زنبور عسل الهام آگاهانه کرد: «وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ؛ و پروردگار تو به زنبور عسل الهام کرد که از کوه‌ها و درختان و از داربست‌هایی که [مردمان از تاکها] می‌سازند خانه‌هایی بگیر» (نحل، ۶۸).

از عبدالله بن سوقه نقل شده است که من و یکی از دوستانم همراه امام رضا علیه السلام به صحرايي وارد شدیم که گله‌ای از آهو در آنجا بود. امام به بچه آهو اشاره‌ای کرد، هنگامی که آمد و در مقابل ایشان ایستاد، او را نوازش کرد و به دست غلامش داد، در این هنگام آهو مضطرب شد و تلاش کرد تا به چراگاهش برگردد، پس امام با کلامی که ما آن را نفهمیدیم با آهو صحبت کرد تا آرام گرفت و بعد به او امر کرد که به گله‌اش ملحق گردد. بچه آهو نیز قبل از رفتن، درحالی که به شدت اشک می‌ریخت، خود را به ابوالحسن علیه السلام مالید، امام پرسید می‌دانی چه می‌گویی؟ گفتم نه، فرمودند: او می‌گوید: هنگامی که صدایم کردی، امیدوار بودم تا از گوشتم تناول کنی، و اکنون که مرا به رفتن امر می‌کنی، اندوهگینم کردی (قطب راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۶۵). این روایت نشان می‌دهد که حیوانات می‌فهمند و درخواست دارند و ارزش امام معصوم را درک می‌کنند و آثار خدمت به امام را نیز در حد خود فهم می‌کنند و اندوهناک می‌شوند و ولی خدا را با غیر او تشخیص می‌دهند، گریه می‌کنند و نیز به اوامر و اکنش نشان

می دهند و با امام ارتباط برقرار می کنند و ناراحت می شوند و احساس خسران می کنند و از دستورات اطاعت می کنند. حتی با توجه به برخی آیات، حیوانات برخلاف جمادات براساس مقدار شعور خود تعلیم می پذیرند: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ مَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَفْسَكْنَ عَلَيْكُمْ» (مائده، ۴) در این آیه، برای انسان‌ها و سگان شکاری، واژه تعلیم آورده شده است، ولی توان تعلیم‌پذیری انسان را بالاتر از حیوان قرار داده است؛ زیرا انسان از خدا تعلیم می‌پذیرد و سگان از انسان. و این تفاوت در تعلیم (بین معلم و متعلم) به دلیل وجود برخی ابزار قوی‌تر در درک تعالیم از سوی معلم است. مانند عقل، قدرت تحلیل و آینده‌نگری.

در قرآن کریم می‌خوانیم: «إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا» هیچ پدیده‌ای در آسمان‌ها و زمین نیست، مگر اینکه با حال بندگی نزد خداوند رحمان می‌آید» (مریم، ۹۳). در این آیه واژه «مَنْ» آمده است که در آیه حشر حیوانات (نحل، ۴۹) هم واژه «مَنْ» برای انسان‌ها و حیوانات به کار برده شده است، پس این آیه شامل حیوانات هم می‌شود و عبودیت و بندگی گرچه درجاتی دارد، در مراتب پایین‌تر از انسان‌ها، حیوانات را هم شامل می‌گردد و این عبودیت نشان از نوعی شعور و ادراک نسبت به مولای خود و خالق عالم هستی است و از نوعی رابط ادراکی با او برخوردار است (مطهری، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۳۷۹). در ادعیه نیز به تسبیح آگاهانه حیوانات و پرندگان تصریح شده است (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۷۹). در کتاب فتوحات مکیه آمده است که هر حیوان ناطق، بلکه زنده ناطق، عمل تسبیح دارد و نیز نسبت به کسی که تسبیح می‌کند، آشنایی دارد (ابن عربی، ۱۳۶۲، ج ۱، صص ۱۴۷-۱۵۵).

در برخی دیگر ادعیه، دعا و طلب از خدا از سوی حیوانات مطرح شده است (ر.ک: کنعمی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۳۳). ابوذر غفاری از پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت می‌کند که فرمود: «مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا وَ هِيَ تَسْأَلُ اللَّهَ كُلَّ صَبَاحٍ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مَلِيكًا صَالِحًا يُسَعِّنِي مِنَ الْعَلْفِ وَيُرْوِينِي مِنَ الْمَاءِ وَ لَا يُكَلِّفُنِي فَوْقَ طَاقَتِي؛ هیچ جنبنده‌ای نیست، مگر اینکه هر صبح گاهان از خداوند درخواست می‌کند: بار خدایا! صاحبی نیکوکار نصیبم فرما که آب و علف مرا

تأمین کند و بیش از وسع و طاقتم از من کار نکشد (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۷۹؛ کفعمی، ۱۴۱۸، ص ۱۳۳).

برخی مفسران مانند قرطبی (ر.ک: قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۱۷۱) و محمد بن بابویه (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۷۸) برای حیواناتی مانند مورچگان ذیل آیه ۱۸ سوره نمل، غفلت از یاد خدا، کفران نعمت و علم به اسم سلیمان و درک عظمت و جلال لشکر سلیمان را نسبت می‌دهند. این ادراک به‌طور حتم مبتنی بر شعورمندی این مورچگان است. البته به نظر می‌رسد درک و شناخت دشمن، مربوط به غریزه مورچه باشد، ولی دانستن نام سلیمان و اینکه همراهان سلیمان ارتش او هستند، این فهمی بالاتر از غریزه است. همان‌طور که در قرآن (سوره نمل) اطلاع هدهد از شرک مردم، خداپرست‌نبودن مردم سبأ، شناخت تفاوت توحید و شرک، ضرورت گزارش به سلیمان عليه السلام و آوردن عذری موجه و مقبول، مرحله‌ای از فهم آگاهی است که بالاتر از غریزه است؛ بنابراین پرنده‌ای که تا این حد، کارهای دقیق و مرموزی را درک می‌کند، از شعور ویژه‌ای برخوردار است (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، صص ۱۰۷-۱۰۸) و قطعاً این گزارش حکیمانه، نشان از هوش سرشار توحیدی و سیاسی هدهد دارد و بی‌شک، بیشتر انسان‌ها از اقامه‌ی چنین برهانی عاجزاند، مگر پس از درس خواندن و تربیت‌شدن (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۲۵، صص ۱۷۸-۱۷۹).
براین اساس هیچ دلیلی در دست نیست که ما داستان «سلیمان و مور» یا «سلیمان و هدهد» را بر کنایه، مجاز و یا زبان حال و مانند آن حمل کنیم و نه زبان قال، به‌ویژه هنگامی که حفظ ظاهر آن و حمل بر معنای حقیقی امکان‌پذیر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۴۳۶). اما نباید از این مهم غافل بود که در حیوانات مرتبه‌ای از درک و آگاهی وجود دارد، ولی هرگز خدا در وجود آنها عقل به معنای قوه عالمه‌ای که خاصیت منع و کنترل دارد و عاقل را از ورود در مهالک باز می‌دارد، قرار نداده است، چون هیچ‌گاه در آیات مربوط به حیوانات نمی‌بینیم که خداوند به آنها نسبت ایمان داده باشد؛ زیرا ایمان به موجوداتی داده می‌شود که بهره کاملی از عقل داشته باشند، چون ایمان مبتنی بر اصول معرفتی است و اصول فقط با عقل قابل درک و شناخت است.

در سوره نمل آیه ۱۷ خداوند برای سپاه سلیمان نبی عليه السلام نظم و نظام آگاهانه قابل

است؛ سپاهی که از جن، انس و حتی پرندگان بودند. این نظم در پرندگان نشان از شعور بود که به عنوان سپاه نزد سلیمان آمدند. به نظر می‌رسد هر گروه برای خود به دستور سلیمان یک رهبر یا فرمانده‌ای داشته‌اند. حتی خداوند در آیه ۱۴ سوره سبأ آگاهی از مرگ سلیمان را نیز به جنیندگان (موریانه‌ها) که عصای سلیمان را خورده‌اند، نسبت می‌دهد. «دروشر» استاد زیست‌شناس در اثبات آگاهی حیوانات می‌گوید: تقریباً تمام جانوران می‌دانند که در چه زمانی و مکانی باید در انتظار مواد غذایی و یا دشمن باشند (دروشر، ۱۳۸۰، ص ۱۸۰)؛ بنابراین با دقت در مطالب گذشته می‌توان مدعی شد که حیوانات دارای شعور، ادراک و فهم هستند و همین مطلب ایجاب می‌کند که دارای حشر و معاد باشند (حسینی تهرانی، ۱۴۲۳ق، ج ۹، صص ۴۵-۴۶). حتی برخی قایل به عقل و «ادراک کلی» برای حیوانات شده‌اند (شجاری، ۱۳۸۳، ص ۸۵) که در این صورت تکلیف و حشر حیوانات امری بدیهی به‌شمار می‌رود. توجه به این نکته مهم است که شعور مرتبه‌ای از ادراک و فهم است که به نوعی جزئی است و تعقل مرتبه‌ای از شعور و فهم است که به صورت «ادراک کلی» ظهور و تجلی می‌یابد و در دنیا مختص به انسان‌هاست.

بر اساس آنچه که گفته شد حیوانات و موجودات زبان‌قال (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۵۲) و قدرت درک، علم و شعور و حتی تکلم با غیر خود دارند و این از تکلم خداوند متکلم است که در کوه‌ها و پرندگان قدرت کلام ایجاد نمود (زحلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۷، ص ۱۰۰). در قرآن کریم به دلیل فهم، شعور، تکلم و نطق حیوانات به آنها شخصیت داستانی داده شده است و به آنها آگاهی، درک و احساسات شبیه به انسان و حتی درک معارف توحیدی و اجتماعی داده شده است. و یا مورچه که دارای دلسوزی، حس‌نگرانی نسبت به مورچگان دیگر و دارای شناخت از حضرت سلیمان است (سوره نمل). هدهد که حضرت سلیمان را به گوش دادن خبر ترغیب کرد و از آن حضرت به خاطر قبولی عذرش دلجویی کرد و هوشیاری هدهد نسبت به دانستن اسم منطقه سبأ، وقایع مهم منطقه سبأ، توصیف سرزمین سبأ، شناخت عمیق هدهد نسبت به خدا، توحید و پرستش خدا، طرد خورشیدپرستی، دوری از وسوسه‌های شیطانی، خبر دادن از فرمانروایی ملکه سبأ، فهم و هدایت و عدم‌هدایت‌شوندگی اهالی سبأ همه نشان از فهم، درک و علم این

حیوانات دارد. زمخشری معتقد است؛ بعید نیست که خداوند متعال راه یابی به معرفت خدا، وجوب سجده برای او و انکار سجده در برابر خورشید را بر هدهد الهام کرده باشد. همچنان که خدا به او و به سایر پرندگان و حیوانات، معارف ظریفی را الهام نموده که تقریباً اکثر علما نسبت به آن آگاهی دارند (زمخشری، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۶۱).

۳. اراده و اختیار در حیوانات

اصل کلی ای وجود دارد و آن اینکه اراده و اختیار آثار حیات هر موجودی است؛ استاد مصباح یزدی می نویسد: «حیات، عبارت از نحوه وجود موجودات و ملازم با علم و قدرت و اراده است (مصباح یزدی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۴۱۵). قرآن کریم برای آسمان و زمین اختیار قایل است: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِالْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (فصلت، ۱۱). براساس این آیه خداوند برای آسمان و زمین، دو راه مطرح می کند و برای آن دو حق انتخاب قایل است. این انتخاب، نشان از درک، اختیار و اراده است. نیز در سوره احزاب می فرماید: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا؛ ما امانت را به آسمانها و زمین عرضه کردیم، آنها از حمل امانت امتناع کرده و از آن بیمناک شدند» (احزاب، ۷۲). امتناع به همراه ترس نشان از یک هوشیاری آگاهانه است، گرچه ضعیف و متناسب با موجودات است. و نیز سخن از شهادت زمین (زلزال، ۵) و گواهی اعضای بدن انسان در قیامت (فصلت، ۲۱) گواه دیگری است بر اینکه تمامی موجودات عالم از نوعی علم، شعور و اراده و تکلیف برخوردارند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۱۱۰ و ج ۱۷، ص ۳۸۱). اما از سوی دیگر چون حیوانات از نظر حیات از آسمان، زمین و بسیاری از موجودات دیگر کامل ترند، پس به طریق اولی از اختیار و اراده برخوردار هستند. علامه طباطبایی می نویسد: «خواننده هشیار اگر در این آیات و مطالب آن دقت کرده و آن مقدار فهم و شعوری که از این حیوانات استفاده می کند وزن کرده و بسنجد تردید برایش باقی نمی ماند که تحقق این مقدار از فهم و شعور موقوف به داشتن بسیاری دیگر و ادراکات گوناگونی از معانی بسیطه و

مرکبه است و چنین عجایب و غرایبی جز از موجودی صاحب اراده و دارای فکر لطیف و شعور تیز و عمیق سر نمی‌زند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۷۷). و چون اراده، شعور و اختیار از مراحل تکلیف است، پس حیوانات به اندازه وسعت وجودی خود می‌توانند از تکلیف برخوردار باشند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۹۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۲۳). بر این اساس اینکه موجودات غیرانسانی، مانند حیوانات از علم، شعور و اراده برخوردارند به این معنی نیست که همه آثار علم انسان‌ها در آن موجودات وجود دارد، بلکه علم، شعور و اراده در موجودات با توجه به مراتب و سنخیت وجودی آنها و نیز با توجه به تشکیکی بودن مراتب هستی، اوصاف و کمالات آنها نیز تشکیکی خواهد بود.

با توجه به تفاوت رفتار حیوانات از یک نوع مثل سرکش و رام بودن اسبان، حفظ جان خود و فرزندان خود، آگاهی از منافع خطرات خود، تصمیم در کشاکش زندگی، شناخت دشمن و حتی روحیات او و یا ترسیدن از تنبیه صاحب خود، یا تربیت پذیری، همه این موارد نشان از یک صفتی در حیوانات دارد به نام «اختیار» و «استعداد حکم‌دادن به خوبی در مقابل بدی»؛ گرچه این استعداد در برابر استعداد اختیار انسان بسیار ضعیف باشد. به طور مثال در آیه ۲۲ سوره نمل، سلیمان احتمال می‌دهد هدهد برای حفظ جان خود دروغ بگوید، بدین جهت حضرت سلیمان علیه السلام به او می‌گوید: «قَالَ سَتَنُقِرُّ أَرْضَكَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ؟» اختصار می‌کنم تا بینم تو راست می‌گویی یا از دروغ‌گویان هستی؟» (نمل، ۲۷) این مورد هم نشان می‌دهد هدهد دارای شعور، آگاهی و اختیار برای حفظ حیات خود است. یا صاحب شرح کافی نقل می‌کند: «ابرهه فیلی بزرگ و قوی به اسم محمود داشت. هنگامی که عبدالمطلب او را دید، صدایش کرد و فیل با سر تکان دادن پاسخ داد. سپس پرسید: می‌دانی تو را برای چه آورده‌اند؟ فیل با جنباندن سر خود گفت: نه، عبدالمطلب فرمود: تو را آورده‌اند تا خانه پروردگارت را خراب کنی، این کار را انجام می‌دهی؟ فیل با سر گفت: نه، پس صبحگاه هر چه تلاش کردند، فیل از جای خود بلند نمی‌شد و به سمت حرم حرکت نمی‌کرد» (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۷، ص ۱۷۳) این روایت هم بر فهم، اراده و اختیار حیوانات دلالت دارد.

۳. حشر حیوانات

حشر در اصطلاح برانگیختن مردگان از قبور و گردآوری آنان در روز قیامت برای حسابرسی است و اکثر دانشمندان مسلمان برای حیوانات حشر قایل هستند. اما برخی ملاک حشر را تکلیف و مسئولیت می‌دانند و برخی دیگر چون برای حیوانات فهم و آگاهی قایل نیستند، تکلیف و مسئولیت داشتن آنها را نیز انکار می‌کنند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۲۵۵؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱۷۳). اما در مقابل تعدادی از اهل نظر برای حیوانات افزون بر اثبات درک و شعور، دلیل عقلی نیز بر آن اقامه می‌نمایند و همین مطلب را ملاک حشر حیوانات می‌دانند (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۱۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۵۱؛ صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۶، ص ۱۱۷)؛ از این رو چه ملاک حشر، آگاهی و شعور باشد و چه تکلیف و مسئولیت داشتن حیوانات باشد، در هر حال آنها ملاک حشر را دارند و بدین سبب مانعی برای حشر آنها وجود ندارد. از این رو در قرآن می‌خوانیم: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ أَمْثَالِكُمْ مَا قَوَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ؛ هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال پرواز می‌کند، نیست مگر اینکه آنها امت‌هایی مانند شما انسان‌ها هستند و ما در کتاب هیچ چیز را فروگذار نکردیم، سپس تمام حیوانات در قیامت به سوی پروردگارشان محشور می‌شوند» (انعام، ۳۸). در این آیه «امم» جمع امت است و آن به گروهی گفته می‌شود که در یکی از این امور مثل دین، زبان، آداب و رسوم، زمان و مکان واحد آنان را گرد هم آورده باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۶). تعبیر امت در مورد جنبندگان، نشان‌دهنده نوعی زندگی اجتماعی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، صص ۷۳-۷۵).

مطالعه و دقت در مراحل زندگی حیوانات این حقیقت را روشن می‌کند که آنها هم مانند انسان‌ها دارای افکار و اندیشه‌های فردی و اجتماعی هستند و در راستای تأمین نیازمندی‌های خود با آگاهی لازم اقدام می‌نمایند و همین آگاهی‌هاست که آنها را به جلب منفعت و دفع ضرر راهنمایی می‌سازد. دانشمندانی که درباره زندگی حیوانات تحقیق کرده‌اند، آثار بسیار شگفتی از اجتماع و جامعه در آنها کشف کرده‌اند. کارهای حیوانات بر همین آگاهی‌ها و اراده‌ها و اختیارها استوار است و آنها را به بعضی از امور

برمی‌انگیزاند و از یک سلسله کارها باز می‌دارد؛ گویی اعمال نیک و بد را می‌فهمند. و می‌بینیم که حیوانات عاطفه دارند؛ دشمنی و دوستی را می‌فهمند. و همه این موارد ملاک حساب و کتاب به‌شمار می‌رود و این نوع امور حشر حیوانات را روشن و منطقی می‌سازد. ظلم و عدالت، زشتی و خوبی در حیوان برخاسته از فطرت طبیعی و آیین تکوینی الهی است؛ بنابراین اگر عمیق‌مطالعه شود، انسان می‌فهمد که حیوانات نیز به‌شکل ضعیف از نعمت اختیار بی‌بهره نمی‌باشند. ما در بسیاری از حیوانات علائم تردید را مشاهده می‌کنیم. پس ملاک تکلیف در حیوانات نیز وجود دارد، گرچه از حد و حدود آن اطلاعی نداریم؛ بنابراین ملاک تکلیف، اختیار و آزادی از یک سو و عقل و شعور از جانب دیگر است؛ که این ملاک‌ها در حد بسیار ضعیفی در حیوانات نیز یافت می‌شود. افزون بر اینکه فلسفه رستاخیز (گذشته از مؤاخذه بر تکالیف) رسیدن موجودات به کمال و جودی و ظهور و بروز واقعیت‌ها در پیشگاه خدا است. احادیث بسیاری از مکافات غفلت حیوانات از یاد خدا داریم که از آگاهی‌های جانوران و موجودات ذی روح حکایت دارد.

متأسفانه بسیاری فکر می‌کنند تنها این انسان است که در میان مخلوقات از اختیار برخوردار است، لذا در تمایز انسان و حیوان اختیار انسان را یکی از وجوه تمایز می‌دانند. اما اگر هم حیوانات دارای اختیار باشند، به‌طور مسلم آن اختیار از سنخ اختیار انسان نیست، چنانچه حیات آگاهی، نطق، ذکر و تسبیح موجودات غیرانسانی از سنخ آنچه در انسان است نمی‌باشد.

براساس آیه ۱۱ سوره فصلت، همه موجودات به‌عنوان زمین و آسمان در جریان آمدن به جهان هستی از اختیار بهره‌مند می‌باشند. خداوند به آسمان و زمین فرمود: بیایید چه از روی اختیار و چه از روی اکراه آن دو گفتند: ما با اختیار آمدیم. در آیه دیگر می‌فرماید: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»؛ ما امانت را به آسمان‌ها و زمین عرضه کردیم، آنها از حمل امانت امتناع کرده و از آن بیمناک شدند، ولی انسان آن را حمل کرد و او ستمکار و نادان بود» (احزاب، ۷۲).

انسان در ابتدای تولد در ادراکش به حیوانات شباهت دارد، ولی با رشد خود به حدی می‌رسد که می‌تواند تکلیف بپذیرد؛ کاری را انجام دهد یا ترک کند. در این مرحله می‌تواند خوبی، بدی و صلاح بودن یا نبودن کارها را درک کند. در واقع رشد انسان به حدی می‌رسد که دین، آن را مبدأ تکلیف می‌داند؛ گویا این مرز حیوانیت و انسانیت است. یعنی انسان به قدری در عقل و فهم و شعور و ادراک به تکامل می‌رسد که خدا برای او تکلیف معین می‌کند و در مقابل برای اطاعتش پاداش و برای مخالفتش کیفر قرار می‌دهد.

عده‌ای از علما معتقدند حیوانات در معاد محشور می‌شوند و به خاطر اعمال و اراده و اختیارشان پاداش و یا کیفر می‌بینند. طبری می‌گوید: حشر حیوانات به معنای جمع آنهاست. به نظر این گروه، حیوانات وحشی در روز قیامت حاضر می‌شوند و خداوند درباره آنها حکم (به کیفر و پاداش) می‌کند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۴۳). فیض کاشانی می‌نویسد: حشر در آیه حشر حیوانات به معنای بعث است (فیض کاشانی: ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۹۰). براساس گزارش قرآن حکیم، برخی حیوانات که مرده بودند بار دیگر در همین دنیا زنده شدند مانند مرکب حضرت ارمیا یا عزیر پیامبر (بقره، ۲۵۹) و پرندگان حضرت ابراهیم (بقره، ۲۶۰) که این وقایع، استبعاد حیات مجدد حیوانات در عالم دیگر را برطرف ساخته و امکان وقوعی حشر و کیفر و پاداش حیوانات را مدلل می‌گرداند.

باتوجه به آنچه که گفته شد در قیامت حیوانات براساس تکلیفی که دارند برای کیفر به جهنم و یا برای پاداش به بهشت وارد می‌شوند؛ زیرا بهشت پاداش موجودی است که از سر اختیار رفتار نیکویی داشته است. امام رضا علیه السلام در روایتی فرمودند: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنْ الْبَهَائِمِ إِلَّا ثَلَاثَةٌ حِمَارَةٌ بَلْعَمَ وَ كَلْبٌ أَصْحَابِ الْكَهْفِ وَ الذَّنْبُ...» از میان حیوانات، سه دسته حیوان وارد بهشت می‌شوند: الاغ بلعم باعورا، سگ اصحاب کهف و گرگی که به خاطر ظلم بیش از حد ظالمی، از او انتقام گرفت (جزایری، ۱۴۲۳ق، ص ۳۱۱) در حدیث دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خِيُولُ الْغَزَاةِ فِي الدُّنْيَا خِيُولُهُمْ فِي الْجَنَّةِ؛ اسب‌های عرصه جنگ، اسبان بهشت خواهند بود (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۳) و روایتی که خبر از حضور برخی حیوانات در قیامت می‌دهند. می‌فرماید: کسی که از پرداخت زکات خودداری

می‌کند، در روز قیامت هر حیوان درنده‌ای او را می‌درد و هر شُمداری او را لگدمال می‌کند (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۸۷).

۴. تکلیف حیوانات

۴-۱. تکلیف حیوانات براساس فهم و آگاهی آنها

آیه «إلی ربّهم یحشرون» (انعام، ۳۸) این معنی را می‌رساند که حیوانات بعد از مرگ به سوی خدا محشور می‌شوند، همان‌طور که آدمیان در قیامت به سوی پروردگارشان محشور می‌شوند. شاهد آن این است که در آیه کریمه ضمیر «هم» در «ربّهم» برای عقلا به کار برده می‌شود و مرجع این ضمیر نیز در آیه فوق، «أُمم» است که هم شامل انسان‌ها می‌شود و هم شامل حیوانات، و از ارجاع ضمیر به حیوانات و انسان‌ها این‌گونه استنتاج می‌شود که قدر متیقن حیوانات دارای شعور و آگاهی هستند، اما درجات شعور و شدت و ضعف شعور حیوانات را نمی‌توان فهمید؛ بنابراین به یقین، نمی‌توان فهم و درک حیوانات را به اندازه انسان‌ها دانست و حتی شواهد بر خلاف آن است. در نهایت درک حیوانات از زندگی اجتماعی و تسییح نیز به اندازه شعورشان است. البته اثبات حداقلی از درک، آگاهی و شعور برای حیوانات و اشتراک آنها با انسان‌ها موجب نمی‌شود تا آنان را به‌طور کامل در کیفیت و کم، پاداش و حشر با هم مشترک بدانیم، بلکه به دلیل اختلاف مراتب محشورشوندگان و قوانین حاکم بر قیامت، می‌توانند دارای درجات باشند. همان‌طور که حشر، کیفر و پاداش افراد یک نوع از انسان‌ها نیز با هم متفاوت‌اند؛ بنابراین همان‌طور که میان وجود انسان‌ها و حیوانات و نیز میان شعور و آگاهی آنها اختلاف در مراتب و درجات است، بعید نیست که در دارابودن تکلیف نیز مراتب و درجاتی باشد و حیوانات از درجات پایین‌تر تکلیف برخوردار باشند.

اکنون دیدگاه صاحب‌نظران و علمای اسلام را درباره مکلف‌بودن حیوانات می‌آوریم؛ صاحب کتاب «تسنیم» می‌نویسد: کسانی که حیوانات را دور از آگاهی و شعور می‌دانند، منکر تکلیف داشتن آنها هستند (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۲۵، ص ۱۸۱)؛ اما برخی برای حیوانات مرحله‌ی ساده‌تر و پایین‌تری از تکلیف قایل‌اند؛ زیرا معتقدند مختصر فهم

و شعور برای تکلیف مدار بودن آنها کافی است و نمی‌توان این مسئله را در مورد حیوانات انکار کرد (مفید، ۱۴۱۳ق ب، ص ۱۱۰)، البته مکلف بودن یک موجود و مخاطب امر و نهی قرار گرفتن آن، بدون داشتن اختیار، معنا و مفهومی ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵، صص ۲۲۶-۲۲۷)؛ از این رو به اعتقاد استاد مصباح آنها نیز مانند انسان تا اندازه‌ای از موهبت اختیار بهره‌مندند و متناسب با افق فهم و اختیارشان تکلیف دارند (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۵).

علامه طباطبایی می‌نویسد: خداوند انعام و انتقام را در آیات زیادی در وصف احسان و ظلم ذکر کرده است و این دو وصف اجمالاً در میان حیوانات نیز وجود دارد؛ یعنی افرادی از حیوانات را می‌بینیم که در عمل خود ستم می‌کنند و افراد دیگری را مشاهده می‌کنیم که به دیگران احسان می‌نمایند؛ از این رو آنها در قیامت محشور می‌شوند، اگرچه خداوند چگونگی پاداش و کیفر را بیان نکرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۷۶) و این غیر از تکلیف برای حیوانات چه می‌تواند باشد. مرحوم صدوق با ذکر روایتی معتقد است حیوانات تکلیف به عدم ظلم دارند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۹۲)؛ زیرا در حیوانات نوع ضعیفی از اندیشه و شعور و آگاهی وجود دارد و اگر کسی ادعا کند ظاهر یا صریح برخی روایات، نفی هرگونه اندیشه‌ای در حیوانات است، در جواب گفته می‌شود: چنین روایتی مخالف قرآن است و باید کنار گذاشته شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۲۵، ص ۱۷۷). بدین ترتیب علامه طباطبایی می‌گوید: حیوانات نیز مانند انسان‌ها دارای عقاید و آرای فردی و اجتماعی‌اند که مبنای حرکات و سکناات آنها در راستای بقا و جلوگیری از نابودی می‌باشد و زندگی آنها براساس فهم و شعور، اداره می‌شود، سخنی به گزاف نیست. اگر گفته شود: به اندازه‌ی فهم، درک و شعورشان و متناسب با آن، از انتخاب، تکلیف و مسئولیت برخوردارند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۷۳) و این همه دلایل روشنی بر داشتن تکلیف حیوانات است.

بنابر استدلال نویسنده کتاب اللوامع الإلهية في المباحث الكلامية، کسانی که دیگران حقی بر عهده آنان دارند یا حقی از آنها به عهده‌ی دیگران است به حکم عقل از جهت احقاق حق، حشر و بعث آنها لازم است؛ زیرا هر حقی تکلیفی را به دنبال دارد. و نیز به

حکم عقل، بعث و برانگیختن کسانی که به نفع یا ضرر آنها حقی هست، و جوب دارد (فاضل مقداد، ۱۴۲۲ق، ص ۴۲۷). از منظر شیخ مفید نیز همه کسانی که در دنیا متصف به حیات می‌شوند (حتی حیوانات) و به اصطلاح زنده‌اند، بعد از مرگ اعاده (بازگشت) می‌شوند؛ زیرا عقل، بر اعاده کسی که له یا علیه او عوض است دلالت دارد (مفید، ۱۴۱۳ق «الف»، ص ۴۶) و به قول فخر رازی این بعث و برانگیختگی با هدف حسابرسی و تعیین تکلیف موجودات محشورشونده است. البته فخر رازی الزام و جوب بر خدا را نفی می‌کند و می‌گوید: حشر هیچ موجودی و یا حیوانی بر خدا و جوب عقلی ندارد، ولی اگر خدا بخواهد محشورشان می‌گرداند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، ص ۶۴)، اما بر خلاف دیدگاه وی، ملاصدرا حشر حیوانات را براساس رجوع حیوانات به مدبر عقلی و رب النوع خود واجب می‌داند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، صص ۳۳۲-۳۳۳).

۲-۴. برخورداری حیوانات از مرتبه‌ای از تکالیف

تکلیف مراتب دارد و در هر مرتبه، ادراک و شعور متناسب خود را می‌خواهد. اما نوع تکالیفی که در قوانین اسلامی برای مسلمان وجود دارد به میزانی است که بدون داشتن مرتبه بالایی از عقل و درک انجام آن قوانین عمل به آن تکالیف ممکن نیست؛ بنابراین هرگز نمی‌توان چنان تکالیفی را برای حیواناتی که فاقد عقل هستند پذیرفت، اما چون با توجه به ادله عقلی، نقلی و آزمایش‌های متعدد، حیوانات دارای درک، شعور و آگاهی سطح پایین‌تری هستند، تکلیف ساده‌تری نیز برای آنها ممکن است. همان‌طور که کودکان در حد خود تکالیفی دارند و پدر و مادر در قبال کارهایشان، آنها را تشبیه و یا تشویق می‌کنند و یا انسان‌هایی که از توان هوشی کمتری برخوردارند، و یا مقداری عقب‌ماندگی ذهنی دارند، و یا کم‌توان ذهنی محسوب می‌شوند، در حد خودشان تکالیفی دارند، قابل‌تعلیم هستند و اموری را درک و فهم می‌کنند و در قبال برخی رفتارها مانند بی‌نظمی، از بین بردن وسایل مراکز آموزشی و بی‌توجهی به تعالیم و تمارین باید به معلمان، مربیان و یا مالکین و ضابطین قانون پاسخگو باشند. گرچه این تشبیه و تشویق و بازخواست نسبت به بزرگسالان خفیف‌تر باشد. شرط علم کامل‌تر، بلوغ

و عقل برای تکالیف سنگین تر و کامل تر است و آثار بیشتری هم بر آن مترتب است؛ از این رو حیوانات هم براساس آنچه که می‌فهمند و درک می‌کنند می‌توانند تکلیف داشته باشند.

با توجه به آنچه گفته شد، تکلیف مراتب دارد و هر مرتبه هم ادراک و شعور متناسب خود را می‌خواهد. اما نوع تکالیفی که در قوانین اسلامی برای مسلمان وجود دارد به قدری است که بدون داشتن یک مرتبه بالای از عقل و درک انجام آنها عمل به آنها ممکن نیست؛ بنابراین هرگز نمی‌توان چنین تکالیفی را برای حیواناتی که فاقد عقل هستند پذیرفت، اما چون با توجه به ادله عقلی، نقلی و آزمایش‌های متعدد، حیوانات دارای درک، شعور و آگاهی سطح پایین‌تری هستند؛ از این رو تکلیف ساده‌تری نیز برای آنها ممکن است و استبعاد عقلی ندارد، همان‌طور که کودکان در حد خود تکالیفی دارند و پدر و مادر در قبال کارهایشان، آنها را تنبیه و یا تشویق می‌کنند، گرچه این تنبیه و تشویق نسبت به بزرگسالان خفیف‌تر باشد.

با توجه به این مطالب حیوانات هم براساس آنچه که می‌فهمند و درک می‌کنند می‌توانند مکلف باشند؛ اما فرق میان انسان ملکف و حیوان ملکف در این است که انسان ماهیت تکلیف، ضرورت و اهمیت آن و نیز گاهی آثار تکلیف خودش را درک می‌کند، ولی حیوان هرگز. اما حیوان براساس غرایز و شعور اندک خود به رفتارهای بد و خوب، در محدوده ظرفیت وجودی خود عمل می‌کند، تحلیلی از این قانون وجودی خود و تبعات بعدی آن ندارد، ولی در حد خود اختیار و اراده آگاهانه دارد. شرط انتخاب آگاهانه دو چیز است؛ یکی دانش آگاهانه و یکی خواست آگاهانه. دانش کما بیش در حیوانات وجود دارد و غریزی است که به آن علم اجمالی می‌گویند و خودش هم نمی‌داند که چرا و چگونه آن را افزایش دهد؛ اما در انسان هم دانش تفصیلی هست و هم خواست تکامل یافته هست. این حقیقت اوج تفاوت انسان با حیوان را نشان می‌دهد؛ زیرا در انسان استعدادها و ویژگی‌هایی وجود دارد که می‌تواند براساس عمل به تکالیف خود به مقام خلیفه الله و امانت‌داری خدا برسد و به اصطلاح عرفا، مظهر جمیع اسماء و صفات الهی گردد.

در قرآن کریم انسان‌ها و جن‌ها مقام عبودیت دارند، چون صاحب عقل و اراده هستند «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶) و حیوانات چون عقل ندارند و تنها از اراده (کهف، ۱۸) و شعور اندکی برخوردارند فقط به مقام تسبیح می‌رسند. علامه طباطبایی معتقد است: «ملاک اصلی و محور حسابرسی در قیامت، رضای خدا، ناخشنودی او، ثواب و عقابش می‌باشد که در مورد حیوانات وجود دارد. و این همه مبتنی بر شعور، آگاهی، اراده، اختیار و تکلیف متناسب با آن موجود حیوانی می‌باشد؛ از این رو حیوانات همانند انسان‌ها دارای تکلیف و حشر هستند؛ زیرا با قرینه «الی» در «إلی رَبِّهِمْ» غایت و مقصد همه جنندگان در دنیا محشور شدن در معاد به جهت هدفی می‌باشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۸۲).

نتیجه‌گیری

با بررسی آیات قرآن و تفسیر این آیات از دیدگاه برخی مفسران شاخص، فرضیه «مکلف بودن حیوانات» با تحلیل و اقامه برهان اثبات شد. در این فرایند تعدادی از مقدمات موثر در پاسخ به مسئله و اثبات آن، تبیین شده که نتایج ذیل بدست آمد:

۱. موجودات افزون بر تسبیح حال و مجازی، دارای تسبیح قال و حقیقی‌اند. بر این اساس حیوانات که مرتبه‌ای از مراتب وجودی موجودات محسوب می‌شوند، نیز دارای تسبیح‌اند و بنابر آیات قرآن، به تسبیح خود ایمان هم دارند. اما انسان‌ها نوعاً به خاطر تعلقات مادی از درک و فهم این تسبیح عاجزند.
۲. همه موجودات جهان هستی و نیز حیوانات و پرندگان به میزان سعه وجودی خود از درک، فهم و شعور برخوردارند و نیز از درستی و نادرستی برخی رفتارهای خود آگاه‌اند، گرچه به دلیل نداشتن عقل همانند انسان‌ها از تحلیل، عاقبت‌اندیشی و برنامه‌ریزی براساس آن عاجزند.
۳. براساس آیات قرآن کریم حیوانات اراده و اختیار دارند؛ بر این اساس تصمیم می‌گیرند و تعدادی از روش‌های محدود در زندگی را برای خود بر می‌گزینند.
۴. حشر حیوانات از امور مسلم و محرز در قرآن کریم است. این موضوع مخالفان و

موافقانی دارد که در این پژوهش با رد دلایل مخالفان، دیدگاه موافقان تایید و پذیرفته شده است. و پذیرش حشر حیوانات در اثبات مکلف بودن آنها بسیار موثر است.

در نهایت با توجه به محدودیت‌ها، نقصان و ضعف وجودی حیوانات و اثبات حشر آنها و نیز دارا بودن بخشی از علم، آگاهی، شعور، اراده و اختیار به این نتیجه رسیدیم که حیوانات باید در همین حد، در حیات دنیوی خود تکالیفی داشته باشند و در آخرت بر همین اساس نیز دارای پاداش و کیفر باشند.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی (ج ۱۵، محقق: علی عبدالباری عطیه). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (ج ۲، چاپ دوم، محقق: علی اکبر غفاری). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضا (ج ۲). تهران: نشر دانش.
۴. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن. (۱۴۰۷ق). زادالمسیر (ج ۴). بیروت: المکتب الاسلامی.
۵. ابن عربی، محی الدین. (۱۳۶۲). فتوحات مکیه (ج ۱). قاهره: [بی نا].
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۴، ۹، ۱۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷. اسدی رکابدار کلایی، ام البنین؛ کریمی نیا، محمد مهدی؛ انصاری مقدم، مجتبی؛ محمد رضایی، غلامرضا. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی هوشمندی نظام طبیعت از منظر علامه طباطبایی و آیت الله مصباح یزدی. پژوهش و مطالعات علوم اسلامی. سال سوم، شماره ۳۲، صص ۷۶-۶۴.
۸. انصاری، محمد علی. (۱۴۱۵ق)، الموسوعه الفقهیه (ج ۱۳). قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ق). المحاسن (ج ۱، چاپ دوم، تصحیح: جلال الدین محدث). قم: دار الکتب الإسلامیه.
۱۰. جزایری، سید نعمت الله. (۱۴۲۳ق). نور المبین فی قصص الانبیاء و المرسلین (الطبعه الثانيه). قم: دارالکتب.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵). حق و تکلیف در اسلام (چاپ دوم). قم: نشر اسراء.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). تسنیم (ج ۲۵، چاپ دوم). قم: مرکز نشر اسراء.

۱۳. حسینی تهرانی، سیدمحمدحسین. (۱۴۲۳ق). معادشناسی (ج ۹). مشهد: نور ملکوت قرآن.
۱۴. حکیم، سیدمحمدتقی. (۱۴۳۱ق). الاصول العامة للفقہ المقارن. تهران: المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية.
۱۵. حلبي، ابوالصلاح. (۱۴۰۳ق). الكافي في الفقه (به كوشش: رضا استادی). اصفهان: مكتبة امير المؤمنين.
۱۶. حلبي، ابومنصور جمال الدين. (۱۴۱۹ق). كشف المراد (ج ۱)، به كوشش: حسن حسن زاده آملی. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
۱۷. دروشر، ويتوس. (۱۳۸۰). جانوران چگونه می بینند، می شنوند و حس می کنند (مترجم: بهروز بیضایی). تهران: انتشارات قدیانی.
۱۸. دغیم، سمیع. (۱۹۹۸م). موسوعة مصطلحات علم الكلام الاسلامي (ج ۱). قم: ناشرون.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
۲۰. زحیلی، وهبه بن مصطفى. (۱۴۱۸ق). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج (ج ۱۷). بیروت: دارالفکر المعاصر.
۲۱. زمانی، آذر؛ بصیری، حمیدرضا. (۱۳۹۴). ادراک توحیدی حیوانات در قرآن کریم. تفسیر پژوهی اثری، ۳(۳)، صص ۱۱۱-۸۳.
۲۲. زمخشری، محمود. (۱۴۱۶ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل (ج ۳). بیروت: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۳. سبحانی، جعفر. (۱۳۸۳). منشور جاوید (ج ۱). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۴. شجاری، مرتضی. (۱۳۸۳). ماهیت انسان از دیدگاه ملاصدرا و ابن عربی، تبریز: نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۱۹۱، ص ۷۵.
۲۵. صدرالدين شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۰). الشواهد الربوبية فی المنهج السلوكية (چاپ دوم، با تصحیح و تعلیق: جلال الدين آشتیانی). مشهد: المركز الجامعی للنشر.
۲۶. صدرالدين شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۹۸۱م). الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلية الأربعة (ج ۶، چاپ سوم، با حاشیه: علامه طباطبایی). بیروت: دار إحياء التراث.

۲۷. طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن (ج ۳، چاپ چهارم). تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۸. طاهری‌نیا، باقر؛ نظری، علی؛ بخشی، مریم. (۱۳۹۸). تکلم و گفت‌وگوی حیوانات در قرآن کریم. لسان مبین. دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۷۹-۱۹۶.
۲۹. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). المیزان (ج ۱۹، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات.
۳۰. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۷، ۱۳، ۱۷، چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۴). قم: انتشارات ناصر خسرو.
۳۲. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۲، ۳۰). بیروت: دار المعرفة.
۳۳. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ق). مصباح المتهجد و سلاح المتعبد (ج ۲). بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
۳۴. عظیمی شندآبادی مقدم، علی. (۱۳۸۸). شعور موجودات در قرآن و روایات. دانشکده علوم حدیث پایان نامه (کارشناسی ارشد).
۳۵. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب) (ج ۳۱، چاپ سوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. فیض کاشانی، محمد. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی (ج ۵، چاپ دوم). تهران: مکتبه الصدر.
۳۷. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن (ج ۲). تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۸. قرطبی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۴). الجامع الاحکام القرآن (ج ۱۴). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۹. قطب راوندی، سعد بن هبه الله. (۱۴۰۹ق). الخرائج والحرائج (ج ۱). قم: موسسه الامام المهدي.

۴۰. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی. (۱۴۱۸ق). البلد الأمين و الدرع الحصین. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۱ق). الکافی (ج ۵). بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۴۲. مازندرانی، محمد صالح. (۱۳۸۲ق). شرح الکافی، الاصول و الروضة (ج ۷). تهران: المکتبه الاسلامیه:
۴۳. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۱). آموزش عقائد (ج ۱). تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی
۴۴. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۴۰۱). آموزش فلسفه (ج ۲، چاپ هشتم). قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۵. مطهری، مرتضی. (بی تا). مجموعه آثار استاد (ج ۲۷). تهران: انتشارات صدار.
۴۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ق / الف). النکت الاعتقادیة. قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۴۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ق / ب). أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات. قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۴۸. مقداد بن عبدالله اسدی سیوری حلّی (فاضل مقداد). (۱۴۲۲ق). اللوامع الإلهیة فی المباحث الكلامیة (چاپ دوم، محقق: محمد علی قاضی طباطبائی). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج ۵، ۱۵، چاپ دهم). تهران: دار الکتب الإسلامیة.

References

* The Holy Quran

1. Alusi, M. b. A. (1994). *Ruh al-ma'ani fi tafsir al-Qur'an al-azim wa al-sab' al-mathani* (Vol. 15, A. A. Atiya, Ed.). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic]
2. Ansari, M. A. (1994). *Al-Mawsu'a al-fiqhiyya* (Vol. 13). Qom: Majma' al-Fikr al-Islami. [In Arabic]
3. Asadi Rekabdar Kalayi, U.; Karimi-Nia, M.; Ansari Moghadam, M.; & Mohammadrezaei, G. (2021). A comparative study of the intelligence of nature from the perspective of Allameh Tabatabai and Ayatollah Mesbah Yazdi. *Islamic Research and Studies of Humanities*, 3(32), 64–76. [In Persian]
4. Azimi Shendabadi Moghaddam, A. (2009). *The consciousness of creatures in the Qur'an and Hadith* (Master's thesis). Faculty of Hadith Sciences. [In Persian]
5. Barqi, A. b. M. b. K. (1952). *Al-Mahasin* (Vol. 1, 2nd ed., J. Mowahhed, Ed.). Qom: Dar al-Kutub al-Islamiya. [In Arabic]
6. Dogheim, S. (1998). *Mawsu'at Mustalahat 'Ilm al-Kalam al-Islami* (Vol. 1). Qom: Nashirun. [In Arabic]
7. Droescher, V. (2001). *How animals see, hear, and feel* (B. Beizaei, Trans.). Tehran: Qadyani Publications. [In Persian]
8. Fakhr Razi, M. b. O. (1999). *Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb)* (Vol. 31, 3rd ed.). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
9. Feiz Kashani, M. (1995). *Tafsir al-Safi* (Vol. 5, 2nd ed.). Tehran: Maktabat al-Sadr. [In Arabic]
10. Hakim, S. M. T. (2010). *Al-Usul al-'Ammah li al-Fiqh al-Muqaren*. Tehran: Al-Majma' al-'Alami li al-Taqrīb bayn al-Madhahib al-Islamiya. [In Arabic]
11. Halabi, A. (1983). *Al-Kafi fi al-fiqh* (R. Ostadi, Ed.). Isfahan: Maktabat Amir al-Mu'minin. [In Arabic]

12. Hilli, A. J. (1998). *Kashf al-Murad* (Vol. 1, H. H. Amoli, Ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
13. Hosseini Tehrani, S. M. (2002). *Resurrection Studies* (Vol. 9). Mashhad: Nur Malakut Quran. [In Persian]
14. Ibn al-Jawzi, A. A. (1987). *Zad al-masir* (Vol. 4). Beirut: Al-Maktab al-Islami. [In Arabic]
15. Ibn Arabi, M. (1983). *Al-Futuh al-Makkiyya* (Vol. 1). Cairo. [In Arabic]
16. Ibn Babawayh (Sheikh Saduq), M. b. A. (1992). *Man la yahduruhu al-faqih* (Vol. 2, 2nd ed., A. A. Ghafari, Ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
17. Ibn Babawayh, M. b. A. (1958). *Uyun akhbar al-Rida* (Vol. 2). Tehran: Danesh Publications. [In Arabic]
18. Ibn Manzur, M. b. M. (1993). *Lisan al-Arab* (Vols. 4, 9, 11). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
19. Javadi Amoli, A. (2006). *Right and Obligation in Islam* (2nd ed.). Qom: Esra Publications. [In Persian]
20. Javadi Amoli, A. (2012). *Tafsir-e Tasnim* (Vol. 25, 2nd ed.). Qom: Esra Publishing Center. [In Persian]
21. Jazayeri, S. N. (2002). *Nur al-Mubin fi Qisas al-Anbiya wa al-Mursalin* (2nd ed.). Qom: Dar al-Kutub. [In Arabic]
22. Kaf'ami, I. b. A. (1997). *Al-Balad al-Amin wa al-Dar' al-Haseen*. Beirut: Al-Alami Publications. [In Arabic]
23. Kulayni, M. b. Y. (1990). *Al-Kafi* (Vol. 5). Beirut: Dar al-Ta'aruf li al-Matbuat. [In Arabic]
24. Makarem Shirazi, N., et al. (1992). *Tafsir Namuneh* (Vols. 5, 15, 10th ed.). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Persian]
25. Mazandarani, M. S. (2003). *Sharh al-Kafi: Al-Usul wa al-Rawda* (Vol. 7). Tehran: Al-Maktabah al-Islamiyyah. [In Arabic]

26. Mesbah Yazdi, M. T. (2002). *Teaching Beliefs* (Vol. 1). Tehran: International Printing and Publishing Company, Islamic Propaganda Organization. [In Persian]
27. Mesbah Yazdi, M. T. (2022). *Teaching Philosophy* (Vol. 2, 8th ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
28. Motahari, M. (n.d.). *A collection of Professor Motahari's Works* (Vol. 27). Tehran: Sadr Publications. [In Persian]
29. Mufid, M. b. M. b. N. (1994). *Al-Nukat al-'Itiqadiya*. Qom: World Conference of Sheikh al-Mufid. [In Arabic]
30. Mufid, M. b. M. b. N. (1994). *Awail al-Maqalat fi al-Madhahib wa al-Mukhtarat*. Qom: World Conference of Sheikh al-Mufid. [In Arabic]
31. Qarashi, S. A. (1992). *Qamus al-Qur'an* (Vol. 2). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya. [In Arabic]
32. Qurtubi, M. b. Y. (1985). *Al-Jami' li-Ahkam al-Qur'an* (Vol. 14). Tehran: Naser Khosrow Publications. [In Arabic]
33. Qutb Rawandi, S. b. H. (1989). *Al-Khara'ij wa al-Kharayij* (Vol. 1). Qom: Institute of Imam Mahdi. [In Arabic]
34. Raghib Isfahani, H. (1991). *Mufradat Alfaz al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
35. Sadr al-Din Shirazi, M. b. I. (1981). *Al-Hikma al-Muta'aliya fi al-Asfar al-'Aqliyya al-Arba'a* (Vol. 6, 3rd ed., A. Tabatabai, Commentary). Beirut: Dar Ihya al-Turath. [In Arabic]
36. Sadr al-Din Shirazi, M. b. I. (1981). *Al-Shawahid al-Rububiyya fi al-Manhaj al-Suluki* (2nd ed., J. Ashtiani, Ed.). Mashhad: Al-Markaz al-Jami'i li al-Nashr. [In Arabic]
37. Seyyori Hilli, M (Fadhil Miqdad). (2002). *Al-Lawami' al-Ilahiyya fi al-Mabahith al-Kalamiya* (2nd ed., M. A. Qazi Tabatabai, Ed.). Qom: Office of Islamic Propagation. [In Arabic]

38. Shajari, M. (2004). The nature of humans from the perspective of Mulla Sadra and Ibn Arabi. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, (191), 75. [In Persian]
39. Sobhani, J. (2004). *Manshur-e Javid* (Vol. 1). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian]
40. Tabari, M. b. J. (1991). *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (Vols. 2, 30). Beirut: Dar al-Ma'rifa. [In Arabic]
41. Tabarsi, F. b. H. (1993). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 4). Qom: Nasir Khosrow Publications. [In Arabic]
42. Tabatabai, S. M. H. (1995). *Al-Mizan* (Vol. 19, M. M. Mousavi Hamadani, Trans.). Qom: Publications Office. [In Persian]
43. Tabatabai, S. M. H. (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vols. 7, 13, 17, 5th ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
44. Taheri-Nia, B., Nazari, A., & Bakhshi, M. (2019). Speech and communication of animals in the Qur'an. *Lisan-e Mobin*, 2(1), 179-196. [In Persian]
45. Taleqani, S. M. (1983). *A light from the Quran* (Vol. 3, 4th ed.). Tehran: Enteshar Company. [In Persian]
46. Tusi (Sheikh Tusi), M. b. H. (1991). *Misbah al-Mutahajjid wa Silah al-Muta'abbid* (Vol. 2). Beirut: Mu'assasat Fiqh al-Shi'a. [In Arabic]
47. Zamakhshari, M. (1995). *Al-Kashshaf 'an Haqa'iq Ghawamid al-Tanzil wa 'Uyun al-Aqawil fi Wujuh al-Ta'wil* (Vol. 3). Beirut: Maktab al-I'lam al-Islami. [In Arabic]
48. Zamani, A., & Basiri, H. R. (2015). The monotheistic perception of animals in the Qur'an. *Research in Narrative interpretation of the Qur'an*, 3(3), 83-111. [In Persian]
49. Zuhayli, W. b. M. (1997). *Al-Tafsir al-Munir fi al-Aqida wa al-Shari'a wa al-Manhaj* (Vol. 17). Beirut: Dar al-Fikr al-Mu'asir. [In Arabic]